



۱۲ ساعت عملیات برای نجات ۴ کوهنورد

۴ کوهنورد سهندی که هنگام صعود به قله ۳۲۵۰ متری یوریکدر شاهو گرفتار شده بودند، نجات یافتند. این کوهنوردان به علت عدم آشنایی با این قله و در هنگام برگشت، با توجه به تاریک شدن هوا مسیر را گم کرده و در منطقه‌ای خطرناک گرفتار شده بودند که پس از ۱۲ ساعت از سوی امدادگران هلال احمر نجات یافتند.

داخلی

حادثه مرگبار در خانه قاچاقچی

تماس گروگان زخمی با پدرش، راز قاچاقچی حرفه‌ای مواد مخدر را فاش کرد. وقتی مأموران پلیس برای دستگیری گروگانگیر و نجات گروگان راهی خانه‌ای در شرق تهران شدند با حادثه‌ای روبرو شدند که انتظارش را نداشتند. به گزارش همشهری، بامداد دیروز پسری حدوداً ۲۵ ساله با پدرش تماس گرفت و در حالی که به شدت مضطرب بود گفت: «من در خانه یک مواد فروش زندانی شده‌ام و جاقو خورده‌ام، خونریزی‌ام شدید است و به این آدرس بیایید و نجاتم دهید.»

اتفاق عجیب

پسر جوان ناشای محلی را که در آنجا گروگان بود به پدرش گفت و از او خواست پلیس را هم در جریان قرار دهد. پس از تماس پسر، پدر وی که به شدت نگران شده بود خودش به اداره پلیس رساند و ماجرا را برای مأموران شرح داد. همین کافی بود تا مأموران پلیس خودشان را به آدرس مورد نظر برسانند تا گروگان زخمی را نجات بدهند. دقایقی بعد، وقتی مأموران رسیدند و قدم در خانه مورد نظر گذاشتند، ناگهان صدای مپیبی شنیدند؛ مردی جوان از پشت ما به خانه قدیمی بیهوش افتاد. مأموران به سمت این مرد رفتند اما او را ترسقوط از پشت‌بام جان باخته بود. در ادامه مأموران پلیس گروگان زخمی را در پشت‌بام پیدا کردند. ماجرا کاملاً عجیب و پیچیده بود. جوان زخمی می گفت، مردی که سقوط کرده و جان باخته است، گروگانگیر بوده که هنگام فرار از دست پلیس تعادلش را از دست داده و سقوط کرده است.

گزارش مرگ

هنوز به درستی مشخص نبود که ماجرا از چه قرار است. در این شرایط گزارش این حادثه مرگبار به قاضی محمد مهدی براه، باز پرس جنایی تهران اعلام شد و او به همراه تیمی از مأموران تجسس پلیس آگاهی تهران راهی محل حادثه شدند. تیم جنایی در گام نخست، به تحقیق از گروگان زخمی پرداخت.

وی توضیح داد: من برای خرید شیشه قدم به خانه مرد قاچاقچی گذاشتم. وقتی رسیدم متوجه شدم مردی به نام نوید که حدوداً ۴۱ ساله بود با قاچاقچی (صاحبخانه)، درگیر شده است. دعوی آنها بر سر معامله مواد مخدر بود. ظاهراً دچار اختلاف حساب شده بودند. من وقتی رسیدم از صاحبخانه خواستم تا مواد را بدهد. پول را هم پرداخت کرده بودم اما مهمانم به نام نوید با تندوی جوانم را داد و گفت چند لحظه منتظر بمانم تا او اختلافاتش را با مرد قاچاقچی حل کند. وی ادامه داد: دقایقی گذشت اما جرم و بحث آنها تمامی نداشت. من هم عجله داشتم، می‌خواستم مواد را هر چه زودتر بگیرم و بروم، چون به شدت خمار بودم. به همین دلیل مجدداً به سمت صاحبخانه رفتم و گفتم موادم را می‌خواهم، ناگهان مهمانم با جاقو به سمت حمله کرد. او ضربه‌ای به صورتم زد و سپس با زور و تهدید مرا به داخل یکی از اتاق‌ها برد و زندانی‌ام کرد. من هم از فرصت استفاده کردم و زمانی که آنها با یکدیگر درگیر بودند و درخواست کمک می‌کردند، به پدرم زنگ زدم و درخواست کمک کردم. لحظاتی بعد وقتی پدرم و مأموران رسیدند، نوید و صاحبخانه از ترس پلیس تصمیم به فرار گرفتند. من هم فوراً از اتاق خارج شدم و به دنبال آنها رفتم تا مانع فرارشان شوم. اما در پشت‌بام نوید پایین لغزید، تعادلش را از دست داد و به پایین سقوط کرد. من هم هیچ دخالتی در مرگ او نداشتم.

کشف مواد

در حالی که گروگان خودش را بی‌گناه می‌دانم اما باز پرس جنایی دستور بازداشت وی را صادر کرده است چرا که این فرضیه مطرح شده که شاید گروگان، مقتول را به پایین هل داده باشد. از سوی دیگر مأموران پلیس، صاحبخانه را که قاچاقچی مواد مخدر است دستگیر کردند. در بازرسی از خانه وی، مقادیر قابل توجهی گرگاس، شیشه، گل، ریپاک و مشروبات الکلی کشف شده و حالا تحقیقات برای کشف راز سقوط مرگبار مرد جوان ادامه دارد.



دستگیری شکارچیان غیرمجاز در شمال تهران

رئیس پلیس پیشگیری تهران از دستگیری شکارچیان غیرمجاز و کشف یک لاشه بزغاله وحشی و ۲ قبضه اسلحه شکاری بدون مجوز از آنها خبر داد. به گفته سرهنگ علی قاسم‌پور، این افراد در روستای سنگین، در محاصره مأموران کلانتری ۱۶۲ اقمش قرار گرفتند و در جریان تعقیب و گریز در ارتفاعات دستگیر شدند.

مالباخته‌ها برای پس گرفتن پولشان نقشه گروگانگیری کشیدند

انتقام مرگبار جوان ایرانی از کلاهبردار انگلیسی



گزارش روزنامه‌نگار فنانه احدی

جوان ایرانی و دوستش که پس از گرفتار شدن در دام یک کلاهبردار حرفه‌ای در شهر لستر انگلستان، دست به گروگانگیری مرگبار زده بودند، در دادگاه پای میز محاکمه ایستادند.

به گزارش همشهری به نقل از میر، ساعت ۲۳:۳۰ پنجشنبه ۲۳ مارس (سهوم فروردین امسال)، مردی ۵۳ساله به نام تالا تالا مقابل خانه‌اش توسط ۴ مرد جوان ربوده شد.

آدمربایان جوان ۳۴ساله ایرانی به نام داریوش و دوست ۳۸ساله‌اش به نام طالب ممبینی بودند که از قبل تالا تالا را می‌شناختند و با او اختلاف داشتند.

ماجرای اختلاف داریوش و تالا تالا به چندماه قبل برمی‌گشت. داریوش که جوانی تحصیلکرده بود در آرزوی ساختن زندگی جدید به انگلستان مهاجرت کرده و در شهر لستر ساکن شده بود. او و دوستش طالب اما مدتی قبل با مردی ۵۳ساله آشنا شدند که پیشنهاد سوسه‌کننده‌ای برای آنها داشت. این مرد که یک کلاهبردار حرفه‌ای بود به جوانی ایرانی و دوستش پیشنهاد داد که اگر ۲۴هزار پوند به او بدهند، وی با توجه به تبحر و شگردی که دارد، می‌تواند دو برابر این مبلغ به آنها پول جعلی که هیچ فرقی با پول واقعی ندارد بدهد.

مرد کلاهبردار حتی نمونه‌ای از اسکناس‌های جعلی خود را به این دو جوان داد و مدعی شد

از آنجا که پول‌های جعلی روی کاغذ مخصوص اسکناس چاپ می‌شوند، هرگز قابل شناسایی و تشخیص نیستند. در این شرایط بود که داریوش و دوستش سوسه شدند و همه سرمایه‌شان را روی هم گذاشتند و دو سستی تقدیم مرد کلاهبردار کردند؛ به این امید که پول‌شان به‌زودی دو برابر خواهد شد.

دام شوم

تالا تالا پول‌های دو مهاجر جوان را گرفت و پس از آن عیش زد. او دیگر به تماس‌های طعمه‌هایش هم جواب نمی‌داد و نه خبری از او بود و نه از پول‌هایی که قرار بود به داریوش و دوستش بدهد. در این شرایط ۲ جوان مالباخته که متوجه شدند در دام یک کلاهبردار حرفه‌ای گرفتار شده‌اند تصمیم گرفتند هر طوری شده او را پیدا کرده و پول‌هایشان را پس بگیرند. آنها پس از هفته‌ها جست‌وجو موفق شدند محل ایرانی و دوستش تالا تالا را در شهر لستر پیدا کنند اما برای رسیدن به پول‌هایشان نقشه شومی کشیدند.

گروگانگیری

داریوش و دوستش، نیمه‌شب ۲۳ ماه مارس نقشه خود را عملی کردند. آنها پس از کشیک کشیدن در مقابل خانه تالا تالا، او را در خیابان وان وی در مرکز شهر لستر با تهدید جاقو سوار خودروی خود کرده و ربودند. مردان جوان پس از ربودن کلاهبردار ۳ساله وی را با چند ضربه سطحی جاقو محروم کردند و او را به خانه‌ای در منطقه وستکوتس بردند؛ جایی که از قبل برای اجرای نقشه خود مهیا

مرگ اسرار آمیز پسر جوان در اتوبان

جنایی

پرونده مرگ پسرری جوان در تصادفی مر موز، صبح دیروز در دادسرای جنایی تهران تحت رسیدگی قرار گرفت و ۴مظهمی که بازداشت شده‌اند، ادعا کرده‌اند که تصادف عمدی در کار نبوده است. به گزارش همشهری، به‌دنبال مرگ پسرری جوان در یکی از اتوبان‌های غرب تهران، پرونده‌ای در دادسرای جنایی تهران کشوده

شد. یکی از شاهدان گفته بود که هنگام عبور از اتوبان دیده که یک خودروی ۲۰۷، پسر جوان را زیر گرفته و گریخته است. با اظهارات شاهد حادثه، تحقیقات آغاز و مشخص شده که یکی از سرنشینان خودروی پژو ۲۰۷ جوانی که در اتوبان جانبخته، اختلاف داشته است؛ بنابراین فرضیه اینکه او عمدتاً این جوان را یا ماشین زیر گرفته باشد، مدنظر قرار گرفته است. در ادامه هر ۳ سرنشین خودروی پژو دستگیر

اختلافات قدیمی

۳ جوان دستگیر شده ۱۲ساله هستند. آنها دوست، همکلاسی قدیمی و بچه محل هستند.

یکی از آنها نامش ایست و آثار جراحات روی سر و دست‌اش دیده می‌شود. او می‌گوید: چند روز قبل با جوان جانبخته در خیابان درگیر بودم اما نقشی در مرگ او ندارد. گفت‌وگوی همشهری با وی می‌خوانید.

اتهامت قتل است؟

قتل؟ نه اصلاً قتل کجا بود. همه چیز یک حادثه بود. بهروز خودش از ماشین برت شد بیرون و تمام.

اختلافت با او بر سر چی بود؟

از مدت‌ها قبل با هم کل کل داشتیم. او می‌خواست ثابت کند قدر زنی از من بیشتر است اما اینطور نبود. او هیکل درشتی داشت و

دلش می‌خواست همه از او حساب ببرند.

بهروز بچه محل شما بود؟ نه. در یک محل دیگر زندگی می‌کرد اما من او را می‌شناختم.

از شب حادثه بگو، چه شد که بهروز جان باخت؟ ما سوار ۲۰۷ بودیم و در خیابان دور می‌زدیم که متوجه شدیم بهروز با دوستانش که سوار بر یک ون بودند در تعقیب ما هستند. باور کنید بالای ۲۰ نفر داخل ون بودند! آنها جاقو، قمه و شمشیر داشتند و تهدیدمان می‌کردند. سپس به ماشین ما کوبیدند که هر دو خودرو چپ گردند! همان موقع بهروز از پنجره ون به بیرون پرت شد.

در حالی که ما هم آسیب دیدیم. سپس پیاده شدیم و ماشین‌مان را به حالت اول برگرداندیم. و از آنجا قتمیم.

آنهاهی که سوار ون بودند چه کردند؟

آنها هم ماشین‌مان را به حالت اول برگرداندند و با گذاشتن بهروز در اتوبان، رفتند. البته فکر می‌کنم بهروز فوت شده بود و دیگر کاری

از دست کسی بر نمی‌آید.

اما ظاهراً یک شاهد گفته که ماجرا حادثه نبوده است؟ دروغ گفته. همه ماجرا همین بود که تعریف کردم.

روی سر و دست‌ات آثار جاقو به چشم می‌خورد، چرا به این روز افتادی؟ زخم‌هایم تازه است. یک هفته قبل از این تصادف، در شهرک غرب با بهروز و دوستانش درگیر شدم. بهروز با جاقو مرا زخمی کرد و مراهی بیمارستان شدم. شب حادثه هم بهروز افتاد دنبال‌م تا حال مرا بگیرد اما به قیمت جانش تمام شد.

سابقه‌های؟

نه اصلاً. این نخستین باری است که دستگیر می‌شوم. من

بولدارم و خانواده‌ای آبرودار و تحصیلکرده‌ای دارم.

در حال بایم به کلانتری باز نشده است. دوستام که دستگیر شده‌اند هم آدم حسابی هستند. باور کنید خیلی زود بی‌گناهی‌ما ثابت خواهد شد.

بچه‌ها را به چه چشم می‌بینی؟

بچه‌ها را به چشم بچه‌ها می‌بینم. بچه‌ها را به چشم بچه‌ها می‌بینم. بچه‌ها را به چشم بچه‌ها می‌بینم.

سابقه‌های؟

نه اصلاً. این نخستین باری است که دستگیر می‌شوم. من

سابقه‌های؟

نه اصلاً. این نخستین باری است که دستگیر می‌شوم. من

سابقه‌های؟

نه اصلاً. این نخستین باری است که دستگیر می‌شوم. من

یکشنبه‌آذر ۱۴۰۲ - شماره ۸۹۵۳



تقویم حوادث

مرد معتاد همسرش را به آتش کشید

مرد معتاد پس از خورا نندن والیوم به همسرش وی را به آتش کشید

۳۳سال پیش در چنین روزی، جنایت هولناک یک مرد معتاد در پایتخت، افکار عمومی را شوکه کرد. روزنامه کیهان در ۱۵ آبان ۶۹ باره این حادثه نوشت: مردی با خوراندن قرص خواب‌آور به همسرش سعی کرد او را به قتل برساند اما وقتی او را در رختخوابش زنده دید وی را با نفت به آتش کشید. این زن پس از ۳۴ ساعت در بیمارستان سنجاب و سوختگی جان سپرد و همسرش در جریان بازپرسی به جنایت اعتراف کرد. در ادامه این گزارش آمده است: مردی به نام حیدر چند شب تصمیم گرفت زن ۳۵ساله‌اش را به نام ناهید به قتل برساند به همین خاطر مقدار قابل توجهی والیوم را در آب حل کرده به همسرش خورد. اما صبح روز بعد بر خلاف انتظار همسرش را زنده یافت. حیدر که در تصمیم خود پاپر جا بود ابتدا ۴ فرزند خردسال خود را خواب بیدار کرد و آنها را حیاط منزل فرستاد و سپس با نفت سماور به سراغ همسر رفت و حیدر نفت را به رویش ریخت و با کبریت او را به آتش کشید. زن کینه که نای جست‌وخیز و فریاد نداشت به همین خاطر کاملاً در میان آتش احاطه شد. در تمام مدتی که همسرش در میان آتش می‌سوخت او را نگاه می‌کرد. همین که مطمئن شد کاملاً سوخته است پاهای زنش را گرفت و جسم نیمه جان او را به حیاط کشاند. سپس شیلنگ آب را به روی او گرفت تا آتشی جنایت با داد و فریاد همسایه‌ها را خبر کرد. زن توسط همسایه‌ها و مأموران زندامری به بیمارستان سوانح سوختگی انتقال یافت اما پس از ۲۴ ساعت جان سپرد. پرونده این جنایت از سوی باز پرس دادسرای عمومی تهران به کلانتری تجسس تهران برای تحقیقات بیشتر فرستاده شد. کار آگاهان پس از تحقیقات مستمر متوجه شدند این آتش‌سوزی عمدی بوده است. مأموران کلانتری تجسس حیدر را دستگیر کردند، وی در بازجویی ابتدا منکر قتل شد ولی بعداً به اعتراف نشست و تمام ماجرا را شرح داد. او انگیزه کار خود را اعتیاد و فقر مالی عنوان کرد. وی همچنین اعتراف کرد، در سال‌های اخیر به علت اعتیاد کلیه وسایل خود را فروخته است. قاتل اکنون در بازداشت به سر می‌برد اما محاکمه شود.

رویداد

پایان غم‌انگیز جست‌وجو در سن بران



با پیدا شدن اجساد هر پنج کوهنوردی که در حادثه سقوط بهمین در اشتراک‌تکه ناپدید شده بودند، عملیات جست‌وجو پایان یافت. به گزارش همشهری، صبح (جمعه) اعضای یک تیم ۹ نفره کوهنوردی که همگی اهل لرستان بودند برای صعود به قله سن بران، راهی اشتراک‌تکه شدند اما در مسیر برگشت گرفتار بهمین شدند و هنفر از آنها زیر برف مدفون شدند. از همان زمان تلاش امدادگران هلال احمر برای نجات این افراد آغاز شد اما با پیدا شدن اجساد ۴ نفر از کوهنوردان در روز جمعه، امیدها برای نجات ۲ کوهنورد باقیمانده نیز رنگ باخت. به گفته محمدرضا فاتحی، فرماندار شهرستان ازنا، با پیدا شدن اجساد ۴ نفر، جست‌وجوها از صبح دیروز از سر گرفته شد و اجساد ۲ کوهنورد دیگر نیز از دل برف بیرون کشیده شد. فرماندار ازنا بیان اینکه ۵ مفقودی حادثه اشتراک‌تکه پیدا شدند، گفت: در حال انتقال اجساد به ازنا هستیم و در ستاد مدیریت بحران مصوب کردیم که اعزام و صعود به ارتفاعات ازنا بدون هماهنگی ممنوع است. به گفته وی پس از شناسایی اجساد، مراسم تشییع پیکر کوهنوردان فقید برگزار خواهد شد.

آگهی مزایده عمومی

شرکت توسعه منابع انرژی توان در نظر دارد ضایعات آهن خود را با شرایط ذیل از طریق مزایده عمومی به فروش برساند.

| موضوع | شماره مزایده |
|-----------------------------------|----------------|
| فروش حدود ۲۰۰ تن آهن‌آلات ضایعاتی | ۶۴۲۸۰/۱۴/۰۲/۰۹ |

مزایده ایجاد نمی‌کند و شرکت در مزایده مورد اشاره و ازایه پیشنهاد به منزله قبول شرایط و تکالیف مقرر در اسناد مزایده بوده و این شرکت در رد و یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است.
۵- از کلیه متقاضیان دعوت به عمل می‌آید ظرف مدت یک هفته از تاریخ درج آگهی نوبت دوم جهت بازدید از محل و دریافت اسناد با در دست داشتن مدارک لازم (معرفی نامه متبصر واصل فیش واریزی) به آدرس تهران - خیابان پاسداران - میدان نوبنبد - شرکت توسعه منابع انرژی توان، معاونت بازرگانی، مدیریت خرید داخلی مراجعه و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۲۱-۲۲۵۸۲۲۲۱ تماس حاصل نمایند.

۱- تضمین شرکت در مزایده ۵٪ (پنج درصد) مبلغ کل پیشنهادی به صورت ضمانتنامه بانکی معتبر یا چک تضمین شده بانکی در وجه شرکت توسعه منابع انرژی توان می‌باشد.
۲- هزینه خرید اسناد مزایده مبلغ یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال است که باید به حساب جاری طلایی ۱۱۷۷۸۰۰۶۲۶۸۰۲ بانک سپه شعبه شهید چمران (کد ۱۱۷۷) بنام شرکت توسعه منابع انرژی توان واریز و فیش ان تحویل متصدی توزیع اسناد گردد.
۳- هزینه چاپ آگهی در روزنامه در هر دو نوبت بهعهده برنده مزایده می‌باشد.
۴- خرید اسناد مزایده و یا امضای اسناد هیچ گونه حقی را برای شرکت کنندگان در